

بررسی و تبیین الگوی رسالت جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های استراتژیک حضرت امام خمینی (س)

داود فیض^۱

چکیده: درک ماهیت، ابعاد و ویژگی‌های مدیریت اسلامی یکی از دغدغه‌های ذهنی مدیران و اندیشمندان مسلمان است. جهت فهم مدیریت اسلامی می‌توان از منابع مختلفی نظیر آیات، روایات، سیره عملی و نظری ائمه اطهار^(ع) و رهبران و مدیران اسلامی نظیر حضرت امام خمینی که مجسمه تعالیم نورانی اسلام می‌باشند، استفاده کرد. سیره عملی و نظری امام خمینی که بعد از ائمه اطهار^(ع) موفق شدند حکومتی اسلامی را تشکیل دهند و سالیانی چند آن را با موفقیت مدیریت نمایند، منبع مناسبی جهت مطالعه مدیریت اسلامی به شمار می‌آید. مدیریت حضرت امام شامل ابعاد مختلفی است که یکی از آن ابعاد، بُعد مدیریت استراتژیک ایشان است. یکی از جنبه‌های مدیریت استراتژیک حضرت امام تعیین مأموریت نظام جمهوری اسلامی است. در مقاله حاضر، که در آن بخشی از نتایج یک پژوهش گسترده در زمینه مدیریت استراتژیک حضرت امام خمینی انعکاس یافته است، مؤلفه‌های شکل دهنده مأموریت نظام جمهوری اسلامی با بررسی ۲۲ جلد **صحیفه امام** ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت استراتژیک، امام خمینی، مأموریت، نظام جمهوری اسلامی ایران، اصول و ارزشهای حاکم، فلسفه وجودی.

مقدمه

بی‌تردید حضرت امام خمینی از نوادر تاریخ می‌باشند که ابعاد وجودی و ویژگی‌های شخصیتی ایشان از هر حیث در خور توجه و تعمق می‌باشد. تفکر در اندیشه‌ها، اعمال و کردار حضرتش در

۱. عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه سمنان
e-mail: feiz1353@gmail.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۴ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۶ مورد تأیید قرار گرفت.

طول عمر بابرکتشان می‌تواند برای هر عاقل منصفی، درس چگونگی زیستن باشد. دریای وجود حضرت امام نعمتی بود که از سوی خداوند تبارک و تعالی نه تنها به ملت ایران و مسلمانان جهان، بلکه به بشر قرن بیستم ارزانی شد. بهره‌مندی از این نعمت عظیم نیازمند عطش و حس جستجوگری است که شاید نزد هر کسی یافت نشود. لذا راه یافتن به عمق وجودی حضرتش جز با استعانت از ابزارهای علمی و مددجویی از عنایات خداوندی ممکن نخواهد شد و از این رو انسان هر چه تشنه‌تر و مجهزتر باشد از این نعمت خداوندی بهره بیشتری خواهد برد. از جمله ابعاد وجودی حضرت امام بعد رهبری و مدیریتی ایشان می‌باشد که با درایتی خاص نهضتی را آغاز نمود و با همتی والا آن را به انجام رساند. بخش مهمی از زندگی امام به هدایت حرکت مردمی و به ثمر رساندن آن و نیز مدیریت و رهبری امور نظام جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافت. مدیریت امام نیز شامل وجوه و ابعادی است که یکی از ابعاد، بُعد مدیریت استراتژیک است. حضرت امام به عنوان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، با نگاهی عمیق، بلند، جامع و آینده‌نگر، ابعاد مأموریت نظام را تبیین نموده و مسیر حرکت نظام اسلامی را برای آینده روشن و مشخص کرده است. ایشان به عنوان رهبر استراتژیک نظام اسلامی، نه تنها از نگرش استراتژیک برای درک مسائل مهم و حیاتی جامعه برخوردار بود، بلکه توانایی پیاده نمودن تصمیمات استراتژیک در سطح جامعه را نیز در اختیار داشت (احمدی ۱۳۷۷: ۲۸). مأموریت نظام شامل فلسفه وجودی، وجوه ممیزه و مسئولیت‌های نظام اسلامی است که امام آن را بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی و انسانی در جای جای صحیفه ترسیم و تبیین کرده‌اند. تا جایی که محقق بررسی کرده است، دقیقاً منطبق با موضوع مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام تحقیقی صورت نگرفته است، اما برخی محققین در بخش‌هایی از تحقیقات خود ابعادی از موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند. یکی از نویسندگان هدف اصلی امام از تأسیس جمهوری اسلامی را نوسازی جامعه بر اساس احکام شریعت اسلام برشمرده و معتقد است که امام با به چالش کشیدن نظام ارزشی رژیم پیشین، نظام ارزش دینی را جایگزین آن نمود. همچنین ایشان اشاره می‌کند که در دیدگاه امام مسلمانان به عنوان یک امت فرض شده‌اند و حکومت ایران باید در حفظ وحدت مسلمانان جهان بکوشد و از مستضعفین در مقابل مستکبران حمایت کند. علاوه بر این، نویسنده هدف امام از تشکیل حکومت را وصول به قرب الهی، هدایت انسان‌ها و سامان‌بخشی به امور اخروی دانسته و دفاع از اسلام و ترویج آن، انسان‌سازی و معنابخشی به حیات انسان‌ها، برپایی عدالت اجتماعی، امر

به معروف و نهی از منکر و ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی را از کارویژه‌های دولت اسلامی در اندیشه‌های سیاسی حضرت امام برشمرده‌اند (زهیری ۱۳۸۲: ۱۲۸ - ۹۹). نویسنده دیگری معتقد است حکومتی که امام در ایران شکل داد با رژیم‌های موجود در جهان شباهت چندانی نداشته و توجه به عدالت، مردمی بودن و اتکا به رأی مردم و ابتدای حکومت بر قواعد و موازین اسلامی از جمله ویژگی‌های متمایزکننده آن از سایر حکومتهاست. همچنین ایشان عناصر و بنیان‌های اساسی یک حکومت مطلوب را سه عنصر عدالت، اسلامی بودن یا ابتنا بر ضوابط و قوانین اسلام و مردمی بودن یا ابتنا بر آرای مردم برشمرده‌اند (جمشیدی ۱۳۷۹: ۱۰۴). میر خلیلی اسلامی بودن نظام را از وجوه متمایز جمهوری اسلامی دانسته و اصول سیاست خارجی از دیدگاه امام را شامل اصل صدور انقلاب، اصل نفی سیل، اصل دفاع از کیان اسلام و مسلمانان، اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر، اصل نفی ظلم و حمایت از مظلوم و اصل نه شرقی - نه غربی برشمرده‌اند. همچنین ایشان معتقدند اهداف سیاست خارجی از دیدگاه امام، شامل استقلال، ایجاد وحدت امت اسلامی، دفاع از مستضعفین و کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش و روابط بر پایه مبانی اسلامی و انسانی است (میرخلیلی ۱۳۸۷: ۱۹۵ - ۱۸۷). در ادامه ضمن تشریح مبانی نظری مأموریت، روش تحقیق و الگوی مأموریت (رسالت) نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام تبیین و تشریح می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

۱) مفهوم مدیریت استراتژیک

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ فعالان حوزه تجارت و بازرگانی به اهمیت مدیریت استراتژیک پی بردند (Harrison 1994: 230 - 231). با افزایش شهرت و اعتبار شیوه‌های مدیریت استراتژیک، استفاده از آن در عرصه‌های غیربازرگانی همانند مؤسسات غیرانتفاعی و سیستم‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و سیاسی توسعه یافت (Seeples 1990: 102). همانند بسیاری دیگر از مفاهیم علوم انسانی، از مدیریت استراتژیک تعاریف مختلفی ارائه شده است. فرد دیوید، مدیریت استراتژیک را هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات و وظیفه‌ای چندگانه می‌داند که سازمان را قادر می‌سازد به هدف‌های بلند مدت خود دست یابد (دیوید ۱۳۷۹: ۲۴). برایسون مدیریت استراتژیک را اقدامی سازمان‌یافته برای اتخاذ تصمیم‌ها و انجام اقدامات بنیادی می‌داند که ضمن شکل دادن به سازمان یا هر نهاد دیگر، مشخص می‌سازد که ماهیت سیستم چیست، چه کاری انجام می‌دهد و

چرا این کار را انجام می‌دهد (برایسون ۱۳۸۱: ج، چ). مدیریت استراتژیک شامل تعیین مأموریت، تشخیص فرصت‌ها و تهدیدات عوامل محیطی، تشخیص نقاط ضعف و قوت، تدوین استراتژی‌ها، اجرای استراتژی‌ها و نظارت بر اجرای استراتژی‌ها است که در این مقاله صرفاً مأموریت نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه حضرت امام مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲) استراتژیست‌ها

استراتژیست‌ها در رأس هرم هر مجموعه قرار دارند و در مورد مسائل استراتژیک تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند. مسائل استراتژیک، موضوعاتی را شامل می‌شود که (۱) به تصمیمات مدیریت عالی نیاز دارند؛ (۲) مستلزم تخصیص مقادیر زیادی از منابع هستند؛ (۳) اثرات عمده‌ای بر سرنوشت بلند مدت مؤسسه دارند؛ (۴) مربوط به آینده هستند؛ (۵) معمولاً بر بخش‌های مختلف تأثیر می‌گذارند؛ (۶) تحت تأثیر عوامل محیطی هستند (پیرس ۱۳۷۶: ۲۰-۱۹). تعیین مأموریت هر مجموعه یکی از تصمیمات استراتژیک محسوب می‌شود که مسئولیت آن بر عهده استراتژیست‌ها قرار دارد. استراتژیست‌ها باید با توجه به شرایط محیطی، توانمندی‌های درونی، انتظارات ذینفعان، مسیر آینده مجموعه و فلسفه وجودی آن، به تعیین مأموریت مجموعه اقدام نمایند.

۳) اصول و ارزش‌های حاکم بر تدوین مأموریت

تمام فرایند مدیریت استراتژیک و از جمله تعیین مأموریت تحت تأثیر اصول و ارزش‌هاست. ارزش‌ها رهنمودهایی را برای تصمیم‌گیری ارائه نموده و درستی یا نادرستی آنها را مشخص می‌نمایند. در واقع ارزش‌ها، همان بایدها و نبایدهایی هستند که آرمان‌ها و مأموریت بر مبنای آنها تدوین می‌شوند و چشم‌انداز مطلوب در آن راستا شکل می‌گیرد (علی احمدی ۱۳۸۲: ۱۸۱). ارزش‌ها بر بینش و نگرش استراتژیست‌ها تأثیر گذاشته و از این طریق نوع مأموریتی که هر استراتژیست تعریف می‌کند، متفاوت می‌شود.

مدیریت بر مبنای ارزش‌ها یکی از جدیدترین رویکردهای مدیریتی است. بلانچارد و اوکانر با ارائه مفهومی جدید در مدیریت با عنوان «مدیریت از راه ارزش‌ها» افقی جدید را بر روی مدیران گشودند. مدیریت از راه ارزش‌ها در واقع دستور العملی برای ایجاد ارزش‌های مشترک و رسوخ آن ارزش‌ها در اعماق جان افراد است (اوکانر ۱۳۸۱: ۵-۲) برنامه‌ریزی و مدیریت بر مبنای ارزش‌ها

شامل سه مرحله شفاف‌سازی مأموریت و ارزش‌ها، نهادینه کردن مأموریت و ارزش‌ها در جامعه (سازمان) و هم‌راستا کردن اقدامات روزمره با مأموریت‌ها و ارزش‌ها است. نوع مأموریتی که استراتژیست‌ها تعریف می‌کنند، بازتابی از نوع ارزش‌هایی است که به آن پایبند بوده و سعی می‌کنند آن ارزش‌ها را در افراد تحت مدیریت خود نهادینه کنند.

۴) تعریف مأموریت^۱

مأموریت یا رسالت عبارت است از فلسفه وجودی یا نقشی که یک سازمان، مؤسسه یا هر سیستم اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی در جامعه بر عهده گرفته تا با ایفای آن، خدمات مورد نظر را ارائه دهد و نیازهای جامعه را برآورده سازد. مأموریت اصلی‌ترین، دورترین و کلی‌ترین اهداف یک مجموعه است که مبین علت یا علّت‌های به وجود آمدن آن بوده و جایگاهش را در نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تعیین و مسیر حرکت آن را ترسیم می‌نماید (علی احمدی ۱۳۸۲: ۱۷۸-۱۷۷). رسالت یا مأموریت هر مجموعه منسجم، «علّت یا فلسفه وجودی» آن را نشان می‌دهد. در واقع مأموریت هر سیستم، همانند ریسمانی است که تمامی فعالیت‌ها و اقدام‌های مجموعه به آن متصل شده و با توجه به آن، فعالیت‌ها به صورتی هماهنگ و همسو انجام می‌شوند (علی احمدی ۱۳۸۲: ۱۷۷).

مأموریت را معمولاً بنیانگذار یا استراتژیست‌ها تعیین و تدوین می‌نمایند (گلوک ۱۳۷۵: ۲۲). هدف از تعریف مأموریت برای هر نظام، مشخص کردن اهداف، فلسفه وجودی و ارزش‌هایی است که فعالیت‌های آن را هدایت می‌کند (Selznick 1957 : 12-13). فرد دیوید، از صاحب‌نظران مدیریت استراتژیک، مأموریت را نگرش و دیدگاه‌های مدیران و استراتژیست‌های هر مجموعه می‌داند و معتقد است اگر مأموریت به خوبی بیان شود، برای نسل‌های آینده این امکان را به وجود می‌آورد که با تکیه بر خلاقیت‌های مدیریت، انواع هدف‌ها و استراتژی‌های بلندمدت و امکان‌پذیر را مورد توجه قرار دهند (دیوید ۱۳۷۹: ۱۷۸). معمولاً مأموریت هر مجموعه در قالب یک بیانیه یا سند مورد وفاق منتشر شده و در اختیار ذینفعان قرار می‌گیرد. این بیانیه راهنمای خوبی برای مدیران و کارگزاران است تا مسیر حرکت آینده را تشخیص دهند و فعالیت‌های خود را در آن جهت هماهنگ نمایند (فیض ۱۳۸۰: ۴۵).

1. mission

۵) فواید تدوین مأموریت

تعیین مأموریت برای هر سازمان، مؤسسه یا هر سیستم اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی فواید مختلفی را در بردارد. صاحب‌نظران مدیریت استراتژیک مزایای زیر را در این خصوص مورد اشاره قرار داده‌اند:

۱. حصول اطمینان نسبت به وجود درک واحد و مشترک در اعضای مجموعه؛
۲. ایجاد تعهد در افراد نسبت به اهداف مورد نظر (پاتریک ۱۳۷۶: ۵۴-۵۲).
۳. روشن شدن فلسفه وجودی مجموعه و به دنبال آن مدیریت مؤثرتر آن.
۴. ایجاد عادت تمرکز بر بحث و بررسی مسائل واقعاً مهم؛
۵. ایجاد وحدت رویه بین مدیران و تصمیم‌گیرندگان مجموعه و نیز همسویی در تفکر و تصمیم‌گیری در مورد مسائل کلیدی (علی احمدی ۱۳۸۲: ۱۷۸).
۶. مأموریت مبنایی برای ارزیابی عملکرد ایجاد می‌کند و معیاری جهت تشخیص درستی حرکت در آینده محسوب می‌شود (گلوک ۱۳۷۵: ۲۶).
۷. مأموریت مبنا و معیاری جهت تخصیص منابع در اختیار مدیران قرار می‌دهد.
۸. مأموریت نقطه اتکایی را به وجود می‌آورد تا افراد هدف و مسیر آینده را تشخیص دهند و بر آن اساس گام بردارند (King 1979: 124).
۹. مأموریت باعث تقویت عواطف و احساسات مثبت نسبت به آن شده و در افراد انگیزه حرکت و فعالیت ایجاد می‌کند (دیوید ۱۳۷۹: ۱۸۰).

۶) اجزاء و عناصر مأموریت

صاحب‌نظران در مورد اینکه یک بیانیه مأموریت باید شامل چه اجزاء و عناصری باشد اتفاق نظر ندارند. برایشون معتقد است برای تدوین بیانیه مأموریت باید به سئوالات زیر پاسخ دهیم:

۱. ما که هستیم؟ فلسفه وجودی ما چیست؟ و ارزش‌های بنیادی ما کدامند؟
۲. چه چیز یا چیزهایی ما را از سایر مجموعه‌های مشابه متمایز می‌کند؟ (وجوه ممیزه)
۳. ذینفعان کلیدی ما چه کسانی هستند و مسئولیت ما در قبال آنان چیست و ما باید چه نیازی از آنان را مرتفع سازیم؟ (برایشون ۱۳۸۱: ۱۳۸).

مرتضی شأنی معتقد است یک رویه معین و استاندارد برای تدوین مأموریت وجود ندارد و انجام این مهم عمدتاً متکی به میزان نظریات خلاق و باورهای ارزشی مدیریت عالی است (شأنی ۱۳۸۳: ۱۳۵).

جفری هریسون و کارون جان بدون اینکه در مورد عناصر و مؤلفه‌های شکل‌دهنده مأموریت اظهار نظر نمایند، اشاره کرده‌اند که بیانیه مأموریت می‌تواند رسمی و مدون بوده یا به صورت غیر رسمی و غیر مدون باشد. همچنین آنان معتقدند بیانیه مأموریت شامل مجموعه‌ای از اهداف است که بسیاری از عناصر استراتژیک را در خود دارد (جفری ۱۳۸۲: ۹۹).

فرد دیوید، از نظریه‌پردازان مشهور مدیریت استراتژیک، معتقد است بیانیه‌های مأموریت از نظر حجم، محتوا، شکل، مؤلفه‌ها و شکل پرداختن به جزئیات با هم متفاوتند. او با بررسی دیدگاه صاحب‌نظران حوزه مدیریت استراتژیک ۹ مؤلفه را برای تدوین بیانیه مأموریت بر می‌شمرد که شامل موارد ذیل می‌شود:

۱. فلسفه وجودی (شامل: باورها، ارزش‌ها و آرزوها)؛ ۲. توجه به نوع مسئولیت در قبال جامعه و مردم؛ ۳. توجه به منابع انسانی در اختیار؛ ۴. وجوه ممیزه یا ویژگی‌های منحصر به فرد و ممتاز نسبت به مجموعه‌های مشابه؛ ۵. نوع مشتریان و مخاطبین؛ ۶. نوع محصولات یا خدمات قابل ارائه به مشتریان یا مخاطبین؛ ۷. قلمرو فعالیت یا بازار؛ ۸. تکنولوژی مورد استفاده؛ ۹. توجه به بقا، رشد و سودآوری (دیوید ۱۳۷۹: ۱۸۹).

از دیدگاه ورن مک‌جینیز مأموریت باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. سازمان یا نظام را بدان گونه که هست و آنچه در نظر دارد، معرفی نمایند.
۲. سیستم را از سایر سیستم‌های مشابه متمایز نماید.
۳. به اندازه‌ای محدود باشد که برخی از فعالیت‌های مخاطره‌آمیز را حذف کند و به اندازه‌ای گسترده باشد که موجب خلاقیت استفاده‌کنندگان شود.
۴. به عنوان چارچوبی عمل کند که بتوان به وسیله آن فعالیت‌های کنونی آینده را ارزیابی کرد.

۵. به حد کافی واضح و قابل فهم باشد تا ذینفعان بتوانند آن را درک نمایند (McGinnis 1981).

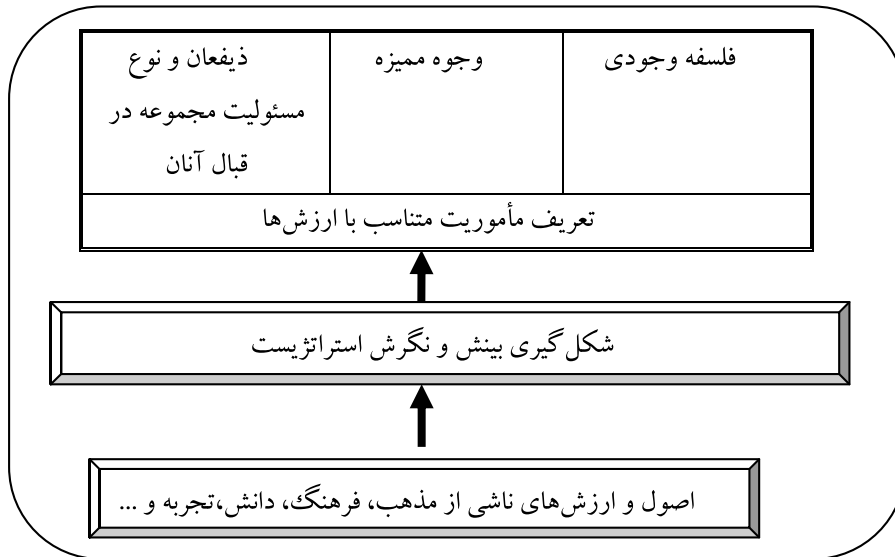
از نظر پیرس و رابینسون رسالت هر مؤسسه شامل ویژگی‌های متمایزکننده مؤسسه از سایر مؤسسات مشابه، فلسفه وجودی، و حوزه فعالیت آن می‌شود. همچنین رسالت، فلسفه تصمیم‌گیران استراتژیک را دربرداشته و تصویر ذهنی‌ای را که استراتژیست‌ها دوست دارند از مجموعه تحت مدیریت خود پدید آورند، نمایان می‌سازد (پیرس ۱۳۷۷: ۶۹). همانگونه که مشاهده می‌شود در مورد نوع، تعداد عناصر و مؤلفه‌های شکل دهنده بیانیه مأموریت بین صاحب‌نظران مدیریت استراتژیک اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از صاحب‌نظران صرفاً به تعریفی از بیانیه مأموریت اشاره کرده‌اند که باید در تدوین مأموریت مورد توجه قرار گیرند و برخی دیگر به عناصر و مؤلفه‌های متعدد و بعضی دیگر نیز به عناصر محدودی اشاره کرده‌اند.

شماره	نام نویسنده	اجزاء و عناصر مأموریت
۱	برایسون	مأموریت شامل فلسفه وجودی، ارزش‌های بنیادین، وجوه ممیزه، ذینفعان کلیدی، نوع مسئولیت سازمان در قبال ذینفعان می‌شود.
۲	مرتضی شانی	اجزاء و عناصر مأموریت بستگی به نظرات خلاقانه و باورهای ارزشی مدیران دارد.
۳	جفری هریسون کارون جان	بیانیه مأموریت شامل مجموعه‌ای از اهداف است.
۴	فرد دیوید	فلسفه وجودی، نوع مسئولیت در قبال جامعه و مردم، توجه به منابع انسانی، وجوه ممیزه، نوع مشتریان، نوع محصولات و خدمات، قلمرو فعالیت، تکنولوژی، بقا، رشد و سود آوری می‌شود.
۵	ورن مک جینیز	شامل فلسفه وجودی، وجوه ممیزه و چارچوب فعالیت‌های آینده سازمان می‌شود.
۶	پیرس و رابینسون	فلسفه وجودی، وجوه ممیزه و حوزه فعالیت را دربرمی‌گیرد.

جدول ۱. خلاصه نظرات صاحب‌نظران در ارتباط با اجزاء و عناصر بیانیه مأموریت

به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت تحقیق که تبیین مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حضرت امام می‌باشد و همچنین جامعیت مؤلفه‌ها و عناصر مورد اشاره در دیدگاه برایسون، انتخاب این دیدگاه به عنوان چارچوب نظری تحقیق مناسب‌تر باشد. بنابراین چارچوب نظری

تحقیق که مبنای تبیین الگوی مأموریت نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه حضرت امام است در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.



شکل شماره ۱. چارچوب نظری تحقیق

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به نوع تحقیق که بررسی اسناد و مدارک است، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. از روش تحلیل محتوا می‌توان برای آزمون فرضیه‌هایی در زمینه ویژگی‌های متن (محتوای پیام)، پیشینه‌های پیام، اثر یا آثار پیام و شناخت صاحبان پیام استفاده کرد. در این روش باید موضوع تحقیق تعیین و تحدید شود، هدف تحقیق مشخص گردد و جامعه آماری یا نمونه آماری تعیین شود (ساروخانی ۱۳۷۸: ۳۳۹-۲۸۵).

۱) سؤال تحقیق، جامعه آماری و مراحل انجام تحقیق

تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است: مأموریت (رسالت) نظام جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های استراتژیک امام خمینی دارای چه مؤلفه‌ها، عناصر، ابعاد و ویژگی‌هایی است؟

جامعه آماری تحقیق حاضر ۲۲ جلد *صحیفه امام* بوده است که بدون نمونه‌گیری به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین در انجام تحقیق حاضر مراحل زیر طی شده است:

۱. انجام فیش‌برداری اولیه از *صحیفه امام* با استفاده از چهارشاخص اصلی فلسفه وجودی، وجوه ممیزه، مسئولیت‌های نظام جمهوری اسلامی و اصول و ارزش‌های حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام در تعیین مأموریت نظام جمهوری اسلامی.

۲. جرح و تعدیل متغیرها با توجه به نتایج به دست آمده از فیش‌برداری مرحله اول و انجام فیش‌برداری در مرحله دوم: پس از انجام مرحله اول فیش‌برداری، محقق به متغیرها و شاخص‌های جدیدی در راستای چهار متغیر اصلی تحقیق دست یافت که در فیش‌برداری مرحله دوم از آن متغیرها استفاده نمود. این کار به این دلیل انجام شد تا محقق با ادبیات حضرت امام دیدگاه‌های ایشان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد و از تحمیل شاخص‌های بیرونی بر دیدگاه‌های حضرت امام پرهیز نماید.

۳. بازبینی فیش‌ها و انتخاب آنها جهت استفاده در تجزیه و تحلیل: در این رابطه از ۱۳۷۹ فیش استخراج شده از *صحیفه*، ۲۱۳ مورد آن جهت تجزیه و تحلیل نهایی مورد انتخاب و استفاده قرار گرفت.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا: در این مرحله محقق با کنار هم نهادن فیش‌ها و طبقه‌بندی آنها، دیدگاه حضرت امام را در مورد موضوع تحقیق تبیین کرده است.

۲) اعتبار سنجی یافته‌های تحقیق

در تحقیقات کیفی به منظور اعتبار سنجی نتایج و یافته‌های تحقیق روش‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آنها، روش «چک کردن به وسیله مشارکت کنندگان» است.

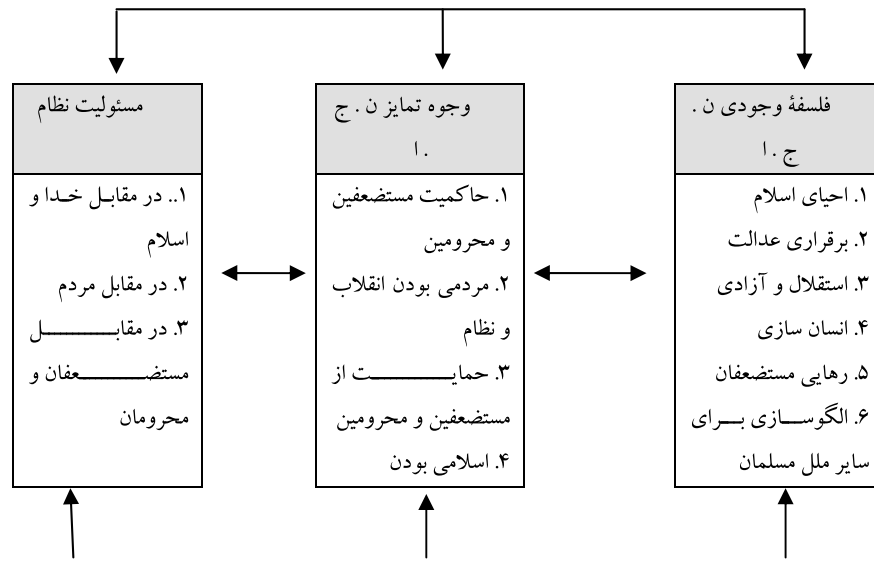
این روش توسط لیسکلن و گوب (Lincoln 1985:215) و همچنین هامرسلی و آتکینسون (Hammersley 1998: 230- 232) مورد تأکید و توجه قرار گرفت. در این روش هدف محقق بالا بردن دقت پژوهش، از طریق چک کردن اطلاعات توسط مشارکت کنندگان در پژوهش است. به علاوه، این روش قابلیت ترکیب با سایر روش‌های سنتی تعیین روایی را دارد. در این روش مشاهدات ملموس به دست آمده از تحقیق به وسیله محققان دیگر مورد ارزیابی قرار

می‌گیرد و در صورتی که ارزشیابی مثبت بوده و نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش هماهنگ باشد، تصور می‌شود که پژوهش دارای دقت بوده و روایی است. مورس و همکاران (2002: morse) (15-13) این روش را به چالش کشیدند. به اعتقاد آنها حتی در پژوهش‌های کاملاً صحیح کیفی ممکن است ارزیابان خارجی به این نتیجه برسند که تصمیم اخذ شده اشتباه بوده و همین امر منجر به تغییر یا توقف تصمیم اخذ شده گردد، این در حالی است که در بسیاری از مواقع ممکن است ارزیابان خارجی از دلایل عقلی تحلیل‌ها آگاهی کمتری داشته باشند یا مفید بودن و حساس بودن تصمیم در موقعیت خاص مربوط به پژوهش کیفی را کمتر مد نظر قرار دهند. با این حال بسیاری از محققان معتقدند این روش می‌تواند به عنوان راهنمای مناسبی جهت تعیین روایی در پژوهش کیفی در اختیار محقق قرار گیرد (Hammersley 1998: 230-232).

در تحقیق حاضر به منظور اعتبار سنجی روش تحقیق و نیز نتایج بدست آمده، از روش فوق استفاده شد. در این راستا یک تیم ناظر از کارشناسان حوزوی و دانشگاهی بر روند اجرای پژوهش نظارت نموده و در هر مرحله اصلاحات (از تصویب طرح تا پایان پژوهش) لازم را به محققین پیشنهاد نموده و اصلاحات لازم انجام می‌شد. علاوه بر این پس از اتمام پروژه، مدیران مرکز مطالعات مدیریت اسلامی قم از یک تیم بیست نفره خارج از پروژه که متشکل از اساتید دانشگاهی و حوزوی بود، دعوت به عمل آوردند تا نتایج تحقیق را مورد بررسی و نقد قرار دهند که دیدگاه‌ها و تأیید این افراد نیز در مورد نتایج و یافته‌های تحقیق اخذ شد.

۳) تجزیه و تحلیل و یافته‌های تحقیق

۱-۳) مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های استراتژیک حضرت امام خمینی بررسی فیش‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده منجر به طراحی الگوی کلی مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حضرت امام خمینی شد. در شکل شماره ۲ صورت کلی الگوی مورد نظر مشاهده می‌شود. این الگو دارای چهار بخش فلسفه وجودی، وجوه ممیزه، مسئولیت‌های نظام و اصول و ارزش‌های حاکم بر تعیین مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حضرت امام خمینی است. در ادامه این الگو تشریح می‌شود.



شکل گیری بینش و نگرش حضرت امام «ره» در مورد مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران

(۹)	(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)
برابری انسانها در حقوق انسانی	امر به معروف و نهی از منکر	احترام متقابل با سایر ملل	عدم سلطه کفار بر مسلمانان	لزوم وحدت و برادری با مسلمانان	کسب رضای خدا	اصل نه شرقی، نه غربی	تبعیت از احکام اسلام	عدالت جویی
اصول و ارزش های حاکم بر تعیین رسالت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حضرت امام								

شکل ۲. الگوی کلی رسالت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حضرت امام خمینی

۲-۳) تشریح الگوی تحقیق

همان‌گونه که در شکل شماره ۲ مشاهده می‌شود، مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حضرت امام شامل چهار بخش است: پایین‌ترین سطح مدل، ارزش‌ها و اصول حاکم بر شخصیت و بینش حضرت امام را نشان می‌دهد. این ارزش‌ها که متأثر از تعالیم دین مبین اسلام و مذهب تشیع است، نوع خاصی از بینش و نگرش را در حضرت امام شکل داده است. از این رو نوع مؤلفه‌هایی که حضرت امام در تعریف مأموریت (رسالت) نظام جمهوری اسلامی استفاده کرده‌اند، متناسب و متأثر از تعالیم و ارزش‌های اسلامی بوده و آن را از مأموریت سایر نظام‌های حکومتی دنیا متمایز کرده است. با توجه به چارچوب نظری تحقیق، مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حضرت امام در سه بخش فلسفه وجودی، وجوه ممیزه و مسئولیت نظام در قبال ذینفعان تعریف شده است. همچنین همان‌گونه که در مدل مشاهده می‌شود بین مؤلفه‌های اصلی شکل دهنده مأموریت رابطه متقابل وجود دارد و این مؤلفه‌ها بر همدیگر تأثیر می‌گذارند. نکته پایانی اینکه، ارزش‌ها، مأموریت را شکل نمی‌دهند، بلکه مؤلفه‌های مأموریت را تحت تأثیر قرار داده و درستی یا نادرستی نوع مأموریت تعریف شده را نشان می‌دهند. از این رو در برخی موارد شباهت بسیار زیادی بین عناوین ارزش‌ها و مؤلفه‌های مأموریت دیده می‌شود. به عنوان مثال ارزش «عدالت جویی» منجر به تعریف هدف «برقراری عدالت» برای نظام جمهوری اسلامی شده است. در هر حال توجه به این نکته ضروری است که ارزش‌ها در شخصیت استراتژیست نهادینه شده و او متأثر از آنها به تعریف نوع خاصی از مأموریت اقدام می‌کند. در ادامه بخش‌های مدل از دیدگاه حضرت امام تشریح و تبیین می‌شود.

الف) اصول و ارزش‌های حاکم بر مأموریت‌های نظام: اصول و ارزش‌های حاکم بر استراتژیست‌ها از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار بر انتخاب نوع مأموریت حکومت‌ها به شمار می‌آید. حضرت امام به عنوان استراتژیست نظام اسلامی، با تأثیرپذیری از تعالیم الهی و پایبندی به اصول و ارزش‌های قرآنی، مأموریت نظام اسلامی را تبیین کردند. در تشخیص اصول و ارزش‌های حاکم بر اندیشه حضرت امام مبنای اصلی استنادات ایشان به آیات، روایات، آموزه‌های دینی و سیره پیامبر عظیم‌الشأن اسلام^(ص) و نیز ائمه اطهار^(ع) بوده است. به عنوان مثال ایشان با استناد به این که رسالت اصلی همه انبیای الهی و نیز دین مبین اسلام حاکمیت عدالت در جامعه بوده است، فرموده‌اند که ما

نیز در جمهوری اسلامی باید به دنبال استقرار عدالت باشیم. از این رو استنباط شده است که عدالت جویی یکی از ارزش‌ها و اصولی است که حضرت امام در مدیریت نظام به آن پایبند هستند. همچنین در تعیین فلسفه وجودی، وجوه ممیزه و نیز مسئولیت‌های نظام، ملاک اصلی اشارات و تصریحات حضرت امام بوده است. به عنوان مثال وقتی حضرت امام صراحتاً می‌فرمایند که رأی اکثریت مردم و قوانین مصوب مجلس باید با موازین شرع مقدس و احکام اسلام منطبق باشد، می‌توان از این عبارت وجه ممیزه اسلامی بودن نظام را درک کرد. اصول و ارزش‌های حاکم بر اندیشه حضرت امام شامل موارد زیر است:

۱) **عدالت جویی:** حضرت امام هدف همه انبیای الهی و زحمات آنان را در جهت برقراری عدالت اجتماعی و عدالت باطنی می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۳۸۶) و معتقد بودند از آنجا که اسلام به دنبال برقراری عدالت اجتماعی است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۰) نظام اسلامی نیز برای برقراری عدالت شکل گرفته است.

۲) **تبعیت از احکام اسلام:** یکی از اصول و ارزش‌های حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام تبعیت از احکام اسلام و دستورات قرآن کریم بوده است. لذا ایشان صراحتاً بیان کردند که نظام حکومتی ایران باید بر اساس قوانین اسلام باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۰۹) و در اجرای احکام اسلام باید از افراط و تفریط پرهیز نمود و نباید به بهانه اجرای احکام شرع تمام یا بخشی از جامعه را در استفاده از نعمات الهی محروم کرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۱۵۶). بنابراین در اجرای احکام اسلام نباید از حدود الهی پایین‌تر یا بالاتر عمل شود و در تمام امور رعایت حد اعتدال لازم است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۲۶).

۳) **اصل نه شرقی، نه غربی:** از نظر حضرت امام اصل نه شرقی و نه غربی به معنای عدم وابستگی به شرق و غرب است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۱۹) و مسئولین نباید در پیشبرد امور منتظر حمایت شرق و غرب باشند و خود را وابسته به آنان سازند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۳۷۳). ایشان اصل نه شرقی و نه غربی را بر گرفته از تعالیم دین مبین اسلام و انبیای عظام^(ع) می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۲۵۰) ج ۱۵: ۱۴۷) و می‌فرمودند همه باید بدانند که اصل نه شرقی و نه غربی یک شعار مقطعی نیست، بلکه یک اصل ابدی برای رفتارهای نظام محسوب می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۱۹) و «دوام و قوام جمهوری اسلامی بر پایه سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۵۵).

۴) **کسب رضای خدا:** در نظر گرفتن رضای خدا در اعمال، گفتار و کردار یکی از اصول و ارزش‌های حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام بود. ایشان تداوم خدمتگزاری مسئولین و استمرار حکومت را منوط به جلب رضایت خدا می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۱۱) و توصیه می‌کردند که باید کاری کرد که خدا راضی شود و اعمال و رفتار مورد پسند خدا باشد نه جلب رضایت سایرین (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۶).

۵) **لزوم وحدت و برادری با مسلمانان:** اصل وحدت و برادری همانند اصول دیگر برگرفته از تعالیم انبیا و ائمه اطهار^(ع) و قرآن کریم است. از دیدگاه حضرت امام، دوری از تفرقه و تفرقه افکنی و تلاش در جهت وحدت و برادری با سایر مسلمانان جزء اصول انکارناپذیر اسلام است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۴۹-۳۴۸؛ ج ۱۰: ۱۶۰؛ ج ۱۶: ۴۰۱). ایشان رمز گرفتاری‌های کشورهای اسلامی را اختلاف کلمه آنان و رمز پیروزی مسلمانان را در وحدت کلمه می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۱۶۰) و معتقد بودند که برادری مسلمانان با یکدیگر یک اصل بزرگ اجتماعی است که اثرات و پیامدهای مثبت فراوانی به همراه دارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۳۱) و اساساً اسلام به نژاد و عرب و عجم بهایی نداده و همه مسلمانان را امت واحده می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۲۷۳).

۶) **عدم سلطه کفار بر مسلمین:** حضرت امام با استناد به آیه شریفه قرآن کریم این اصل را مطرح نموده (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۱۷، ۳۰۰، ۹۱) و اشاره کرده‌اند که اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که در نهایت مستضعفین بر مستکبرین غلبه کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۱۱۵) از این رو ما نیز نباید به عنوان جمهوری اسلامی به کشورهای مستکبر اجازه دهیم که کشور را تحت سلطه خود در بیاورند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۴).

۷) **احترام متقابل:** اصل احترام متقابل با سایر کشورها و دولت‌ها بارها و بارها مورد اشاره حضرت امام قرار گرفته است. ایشان می‌فرمودند که تمام دولت‌هایی که به ما احترام می‌گذارند ما نیز به آنان احترام می‌گذاریم و با آنان رفتار محترمانه خواهیم داشت (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۷۹) و برقراری رابطه حسنه و احترام متقابل با تمام کشورها اصل اساسی در سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۱۱؛ ج ۵: ۲۵۷).

۸) **امر به معروف و نهی از منکر:** حضرت امام امر به معروف و نهی از منکر را یک تکلیف بسیار سنگین همگانی دانسته و معتقد بودند که همه آحاد جامعه باید خود را مکلف به رعایت آن بدانند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۳۸۷-۳۸۶؛ ج ۱۳: ۴۷۰). ایشان در تبیین و عمل به این اصل می‌فرمودند امر به

معروف و نهی از منکر باید هم با گفتار باشد و هم با کردار (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۴۳۷)، به صورت همگانی باشد و همه احساس مسئولیت کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۷۰) و نباید به طبقه یا قشر خاصی، اختصاص یابد. حضرت امام حتی خودشان را در این دایره قرار داده و به مردم توصیه می‌کردند که اگر من هم پایم را کج گذاشتم باید به من تذکر بدهید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۵).

۹) **برابری انسان‌ها در حقوق انسانی:** حضرت امام با تأییدی از تعالیم اسلام و با استناد به منابع اسلامی، در موارد متعدد این اصل را مورد توجه قرار دادند. ایشان می‌فرمودند که همه در برابر قانون یکسان هستند و اساساً اسلام دین برابری و برادری است و در آن نژاد مطرح نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۲). اسلام تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروه (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۵۶؛ ج ۹: ۱۱۲) یا فردی امتیازی قائل نشده و ویژگی خاصی قرار نداده است و تنها ملاک برتری گروه‌ها و انسان‌ها از یکدیگر تقوا و تعهد آنان است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۱۴۰؛ ج ۱۱: ۵۶).

ب) فلسفه وجودی نظام جمهوری اسلامی ایران

تشکیل نظام جمهوری اسلامی توسط حضرت امام مبتنی بر دلایل و زمینه‌هایی بوده است که ما از آنها به عنوان فلسفه وجودی نظام یاد می‌کنیم. فلسفه وجودی نظام بیانگر چرایی شکل‌گیری انقلاب اسلامی و به دنبال آن تشکیل نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. بررسی‌های انجام شده در *صحیفه* نشان می‌دهد، حضرت امام به دلایل زیر اقدام به تشکیل نظام جمهوری اسلامی کردند:

۱) **احیای اسلام:** حضرت امام هدف از قیام و انقلاب اسلامی را احیای اسلام و حاکمیت اسلام مطرح می‌کردند و تشکیل حکومت را مقدمه‌ای برای حاکمیت احکام اسلام می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۲۰۳؛ ج ۸: ۴۱). ایشان پیروزی نهایی را زمانی می‌دانستند که احکام اسلام با تمام ابعاد و ویژگی‌هایش ابتدا در ایران، سپس در منطقه و نهایتاً در سراسر دنیا پیاده گردد. لذا پیروزی انقلاب اسلامی را آغاز حرکت به سوی پیاده کردن احکام اسلام در تمام دنیا می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۲۹۳؛ ج ۱۲: ۳۰۶). از دیدگاه حضرت امام، حاکمیت احکام اسلام به معنای حاکمیت قوانین قرآن کریم و سنت نبوی بر تمام شئون کشور و جامعه است و احکام اسلام را تنها راه سعادت انبای بشر و ضامن استقلال و آزادی از استعمار برمی‌شمردند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۱۲۱؛ ج ۳: ۴۴۳؛ ج ۹: ۱۶۶).

۲) **برقراری عدالت:** حضرت امام پایه و اساس نظام جمهوری اسلامی را برقراری عدالت اجتماعی و حکومت اسلامی را معادل حکومت عدالت می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۲۰؛ ج ۹: ۷۱؛ ج ۳: ۵۰۹). ایشان معتقد بودند که سطوح اجرای عدالت اسلامی از کوچک‌ترین جزء جوامع، یعنی اجرای عدالت در خود انسان، آغاز می‌شود و سپس در مراتب بعدی یعنی عدالت با رفیق، همسایه، همشهری، هم استانی، هم مملکتی، کشورهای همسایه و در نهایت عدالت با همه این‌ای بشر ختم می‌شود. در صورتی که به اجرای عدالت در هر یک از مراتب فوق خدشه‌ای وارد شود، حکومت، حکومت اسلامی نخواهد بود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۳۱۸). عدالت از دیدگاه حضرت امام به مفهوم عدم خیانت مسئولین به بیت المال، رسیدگی مسئولین به درد مردم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۵۸)، چاره‌اندیشی جهت ارتقای سطح زندگی فقرا و مستمندان جامعه و به طور کلی تأمین رفاه همه مردم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۰۱) و الگو قرار گرفتن مشی حضرت علی^(ع) توسط مسئولین نظام می‌باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵).

۳) **دستیابی به استقلال و رهایی از وابستگی:** امام آزادی و استقلال را جزء حقوق اولیه بشر دانسته (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۵۱۰) و معتقد بودند، این دو از بنیادهای اسلام می‌باشند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۴۲). بنابراین قیام برای به دست آوردن حقوق اولیه و نیز تحقق آنچه از بنیان‌های دین می‌باشد، امری معقول و منطقی است. ایشان مفهوم استقلال کشور را کوتاه شدن دست اجانب از مملکت و اداره آن توسط خود مردم بیان کردند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۱۱۵) و شعار نه شرقی، نه غربی را یکی از اصول تغییرناپذیر جمهوری اسلامی می‌دانستند و توصیه می‌کردند که رهایی از وابستگی به شرق و غرب باید برای همیشه مد نظر مسئولین نظام قرار گیرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۰۴؛ ج ۲۱: ۴۲۷؛ ج ۱۰: ۳۷۳).

۴) **انسان‌سازی:** از دیدگاه حضرت امام برنامه همه مکتب‌های توحیدی از جمله دین مبین اسلام انسان‌سازی و تربیت انسان است. از این رو در صورت تشکیل حکومت اسلامی و اجرای قوانین اسلام، یکی از اهدافی که محقق خواهد شد، تربیت الهی افراد و پرورش بُعد انسانی آحاد افراد جامعه می‌باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۵۷، ۲۷۴ - ۲۷۳).

۵) **رهایی مستضعفان:** آزاد و رها کردن مستضعفان از زیر بار ظلم و ستم مستکبران یکی دیگر از دلایل شکل‌گیری قیام امام بوده است. مستضعفان مورد نظر ایشان فقط کسانی نبودند که در چارچوب مرزهای جغرافیایی کشور ایران زندگی می‌کردند، بلکه هدف نهایی حضرتش رها

ساختن تمام مستضعفان جهان از چنگال مستکبران بوده است (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۱۹-۱۲۰).

۶) الگو سازی برای سایر ملت‌ها: یکی دیگر از دلایل مهم شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، ارائه یک مدل عملی از حکومت اسلامی به جهانیان بوده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۳۳؛ ج ۸: ۷؛ ج ۱۳: ۹۳). از دیدگاه ایشان، انقلاب اسلامی ایران نقطه آغاز مبارزه مستضعفین جهان علیه مستکبرین دنیا می‌باشد و ویژگی‌های قیام ملت ایران همانند انجام مبارزه با دست‌خالی، اتکا بر قدرت ایمان، وحدت کلمه و تمسک به احکام نورانی اسلام، می‌تواند به عنوان یک الگو توسط سایر ملل مورد استفاده قرار گیرد و آنان را در مقابل قدرت‌های بزرگ به پیروزی برساند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۲۹۲).

ج) وجوه تمایز نظام جمهوری اسلامی ایران

یکی از وجوه منشور رسالت هر حکومت تفاوت‌های آن نظام حکومتی با سایر نظام‌ها است. در واقع تفاوت در مأموریت حکومتی باعث تفاوت در رفتارها، عملکردها و استراتژی‌ها می‌شود.

وجوه ممیزه نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حضرت امام خمینی شامل موارد زیر است:

۱) حاکمیت مستضعفین و محرومین و حمایت حکومت از آنها: حاکمیت مستضعفین و محرومین از دیدگاه حضرت امام بدین معناست که وزرا، نمایندگان مجلس و به طور کلی مسئولین نظام برخاسته از اقشار مستضعف جامعه هستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۲۸-۲۷). با توجه به آیه شریفه «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا.....» (قصص: ۵) حکومت مستضعفین زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) خواهد بود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۳۴۹-۳۴۸). همچنین حمایت از مستضعفین و محرومین داخل مرزهای جغرافیایی کشور و مستضعفین سایر نقاط جهان (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۱۳۳) از جمله وجوه ممیزه نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در بُعد داخلی حضرت امام توجه به ضعفا و مستضعفان را از وظایف دولت می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۳۸) و معتقد بودند که زاغه‌نشینان و مستضعفین بوده‌اند که مسئولین را به حکومت و قدرت رسانده‌اند و بی‌توجهی به آنان موجب تضعیف پایه‌های نظام می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۳۸۰). در بُعد جهانی نیز ایشان، جمهوری اسلامی را برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان مظلوم جهان برمی‌شمردند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۹۱).

۲) **مردمی بودن انقلاب و نظام:** حضرت امام منظور خود از حکومت مردمی و مردمی بودن حکومت را با تعابیر مختلفی بیان کرده‌اند. اتکای نظام در انتخاب مسئولین به آرای مردمی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۴۸؛ ج ۵: ۴۳۶)، عدم اختصاص انقلاب و حکومت به یک گروه سیاسی خاص یا به یک قشر خاص (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۶۱)، حاکمیت محیط محبت و برادری بین مردم و مسئولین (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۲۱۷؛ ج ۷: ۲۳۸؛ ج ۸: ۹۷)، عدم استضعاف و تحقیر مردم توسط دستگاه‌های دولتی و حکومتی و عدم نگاه مردم به مسئولین به عنوان یک طبقه ممتاز و تافته‌ای جدا بافته (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۳۲۱) از جمله مواردی است که در این رابطه توسط ایشان مورد توجه قرار گرفته است.

۳) **اسلامی بودن:** یکی از برجسته‌ترین وجوه ممیزه نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به سایر حکومت‌ها، اسلامی بودن آن است. حضرت امام اسلامی بودن نظام را معادل انسانی بودن آن می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۱۲۲) و معتقد بودند که در حکومت اسلامی جنبه‌های انسانی بر جنبه‌های مادی غالب است. اسلامی بودن نظام بدین معناست که زمامداران حکومتی نباید از مقام و قدرتی که در اختیار دارند، سوء استفاده کنند و به فکر ثروت‌اندوزی باشند یا در زندگی روزمره برای خود نسبت به سایر مردم امتیاز ویژه قائل شوند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۶۶). در چنین حکومتی رأی و خواست اکثریت مردم در چارچوب احکام اسلام و شرع مقدس قابل پذیرش خواهد بود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۴۹؛ ج ۸: ۴۲).

د) مسئولیت‌های نظام

یکی دیگر از ابعاد مشهور مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران نوع مسئولیت‌های نظام است. از دیدگاه حضرت امام مسئولین نظام باید در ارتباط با عملکرد خود در مقابل خدا، مردم و مستضعفان پاسخگو باشند و نسبت به اسلام تکالیفی را به انجام رسانند. در ادامه مسئولیت‌های الهی و مردمی نظام مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱) **مسئولیت نظام در مقابل خدا و اسلام:** حضرت امام معتقد بودند که مسئولین حکومت در مقابل خدا تکلیف دارند و باید در راه او و در راه حاکمیت قانون عدل الهی تلاش و کوشش نموده (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۴۷۳) و رفتارهایشان را منطبق بر موازین شرع مقدس نمایند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۱۹۰). همچنین تکالیف نظام در قبال اسلام را شامل عدم ارائه تصویری واژگون از اسلام (امام خمینی

۱۳۸۵ ج ۱۴: ۲۱۸) و حفظ اسلام (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۳۸۳) می‌دانستند و می‌فرمودند که اگر مسئولین اعمال و رفتاری انجام دهند که مخالف محتوای اسلام باشد و بهانه تبلیغاتی به دست دشمنان دهند، این مسأله باعث شکست اسلام می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۸۶ - ۴۸۵) و لذا جهت حفظ اسلام و ترویج اسلام واقعی، خود مسئولین باید آئینه تمام‌نمای رفتار اسلامی باشند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۳۰۳).

۲) مسئولیت نظام در مقابل مردم: از دیدگاه حضرت امام به طور کلی نظام در قبال مردم دارای دو وظیفه اصلی است: اولین وظیفه هدایت مردم است که در این راستا باید سیاست کلان نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر هدایت مردم باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۵۰۸) و باید توجه داشت که هدایت امری تدریجی است (ر.ک.به: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۲۵۰) و نباید انتظار داشت که یک شبه تغییر و تحول مورد انتظار رخ دهد. علاوه بر این، مسأله هدایت نباید امری یکسویه تلقی گردد، بلکه مردم هم باید خود را مسئول اعمال و کردار مسئولین بدانند و مواظب انحرافات و کجروی‌های آنان باشند و در صورت لزوم به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خود عمل نمایند (ر.ک.به: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۸۸ - ۴۸۷).

دومین وظیفه نظام در قبال مردم، خدمت به آنان است. ایشان خدمت به خدا و خلق خدا را وظیفه مسئولین می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۶۷) و معتقد بودند حاکمان باید خدمتگزار واقعی مردم باشند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۱۲۶) نه اینکه خدمتگزاری به مردم در حد شعار مطرح شود و عمل شایسته‌ای برای مردم انجام نشود.

۳) مسئولیت نظام در قبال مستضعفان و محرومان: از میان تمام اقشار جامعه، مستضعفان و محرومان به طور ویژه مورد توجه حضرت امام قرار داشتند و ایشان آنان را نور چشم و ولی نعمت خطاب می‌کردند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۱۲). حضرت امام معتقد بودند که مسئولین نظام باید به فکر رفاه حال تمام اقشار جامعه باشند، خصوصاً کارگران، کشاورزان و طبقه مستضعف، چرا که اسلام برای طبقه محروم و مستضعف نسبت به سایر اقشار حق بیشتری قائل است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۸۸). لذا رسیدگی به این قشر باید در رأس برنامه‌های دولت قرار گیرد (ر.ک.به: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۲۰۰) و نظام برای رفاه مستمندان و احقاق حقوق آنان تلاش و کوشش نماید (ر.ک.به: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵).

جمع‌بندی، بحث و نتیجه‌گیری

حضرت امام خمینی یکی از رهبران بزرگ جهان اسلام بوده‌اند که بنیانگذاری و رهبری یک نظام حکومتی اسلامی را تجربه کرده‌اند. کنکاش، مطالعه و کشف افکار و اندیشه‌های ایشان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عرفانی، فقهی و از جمله مدیریتی می‌تواند در حل و فصل بسیاری از مسائل فعلی و آتی کشورهای اسلامی و خصوصاً نظام جمهوری اسلامی ایران مفید، مؤثر و راهگشا باشد. در این مقاله محقق سعی نمود با بررسی و مطالعه سیره نظری حضرت امام در جلد‌های بیست و دوگانه *صحیفه امام* عناصر، مؤلفه‌ها، ابعاد و ویژگی‌های مأموریت نظام جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های استراتژیک حضرت امام را شناسایی، کشف، تبیین و تشریح نماید. الگوی مأموریت نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه حضرت امام دارای چهار بُعد فلسفه وجودی، وجوه ممیزه، مسئولیت‌های نظام و اصول و ارزش‌های حاکم بر تعیین مأموریت است که در بخش‌های قبل به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری توجه به چند نکته ضروری است:

۱. در تحقیق حاضر محقق سعی نمود با بررسی ۲۲ جلد *صحیفه امام* و به کارگیری روش تحلیل محتوی، اندیشه‌های استراتژیک حضرت امام در ارتباط با مأموریت نظام جمهوری اسلامی را کشف و تبیین نماید. این بررسی پس از مطالعه مبانی نظری مربوطه و دو مرحله فیش‌برداری انجام شد.

۲. ادبیات مدیریت استراتژیک نشان می‌دهد پایداری و حرکت صحیح هر مجموعه نظام یافته و از جمله حکومت‌ها، مستلزم برخورداری از یک مأموریت مشخص و مبتنی بر ارزش‌هاست. مسئولیت تعریف این مأموریت بر عهده بنیانگذاران و استراتژیست‌های هر نظام بوده و از این رو حضرت امام به عنوان بنیانگذار و مؤسس نظام جمهوری اسلامی ایران، اجزاء و عناصر مأموریت نظام را در جای جای صحیفه تبیین و تشریح نمودند. بی‌تردید توجه به ابعاد مأموریت ترسیم شده از سوی حضرت امام تضمین‌کننده حرکت صحیح نظام در راستای ارزش‌های اسلامی و الهی بوده و از انحرافات احتمالی جلوگیری خواهد کرد.

۳. نظام‌های حکومتی مختلف در اقصی نقاط دنیا مبتنی بر باورها، عقاید و ارزش‌های خود، نوع خاصی از مأموریت را برای خود ترسیم نموده و اهداف و استراتژی‌های خود را بر آن اساس تنظیم می‌نمایند. نوع مأموریت تعریف شده از سوی حضرت امام برای نظام جمهوری اسلامی

متأثر از ارزش‌های الهی - اسلامی و انسانی بوده و از این رو نوع حکومت مورد نظر حضرت امام از سایر نظام‌های حکومتی متمایز و متفاوت است. این موضوع در بخش وجوه ممیزه نظام جمهوری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۴. هر چند تبیین و درک اجزاء و عناصر مأموریت نظام از دیدگاه حضرت امام شرط لازم برای تشخیص مسیر صحیح حرکت نظام در حال و آینده است، اما این به تنهایی کافی نبوده و باید به سایر ابعاد اندیشه‌های استراتژیک حضرت امام نظیر نوع استراتژی‌های مورد استفاده، حوزه‌های استراتژیک، خط مشی‌ها و نیز توجه شود.

۵. ابعاد رسالت نظام جمهوری اسلامی ایران همانند منشوری است که هر چند دارای چند بُعد است، اما ابعاد آن همدیگر را تأیید می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان گفت «احیای اسلام» که در بُعد فلسفه وجودی آمده است، مسئولیت نظام در قبال خدا و اسلام را تأیید می‌کند یا «اسلامی و مردمی بودن» که در وجوه ممیزه نظام ذکر شده است تأیید کننده مسئولیت‌های نظام در مقابل خدا، اسلام و مردم است که در بُعد مسئولیت‌های نظام مورد توجه قرار گرفته است.

۶. تمرکز ادبیات مدیریت استراتژیک بر سطح بنگاه (سازمان / شرکت / مؤسسه) و توجه اندک به مدیریت استراتژیک در سطح جوامع و حکومت‌ها از دیگر محدودیت‌های پیش‌روی محقق بوده است. البته حکومت یا هر نظام سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی دیگر، خود سازمانی بزرگ و پیچیده است که مدیریت مؤثر آن مستلزم برخورداری از تفکر استراتژیک و به کارگیری مدیریت استراتژیک در آن است.

۷. در این پژوهش به دلیل محدودیت زمانی و بودجه‌ای، تمرکز اصلی بر سیره نظری حضرت امام بوده است، انجام پژوهش‌های دیگری که سیره عملی حضرت امام را مورد بررسی قرار دهند، به تکمیل این بحث کمک شایانی خواهد کرد.

۸. از آنجا که الگوی مدیریت استراتژیک حضرت امام کمتر مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است، این تحقیق به عنوان محدود تحقیقات انجام شده، خالی از نقص و ایراد نیست. بنابراین انتظار می‌رود صاحب‌نظران و محققین با رفع این نواقص در پژوهش‌های آتی، اندیشه‌های حضرت امام را در حوزه مدیریت استراتژیک با کیفیتی مطلوب‌تر کشف و تبیین نمایند.

منابع

- احمدی، حسین. (۱۳۷۷) *برنامه‌ریزی استراتژیک و کاربرد آن*، تهران: انتشارات سایه نما.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(س) (چاپ و نشر عروج)، چاپ چهارم.
- اوکاتر و بلانچارد. (۱۳۸۱) *مدیریت از راه ارزش‌ها*، ترجمه حمیدرضا فرتوک‌زاده، تهران: انتشارات فرا.
- برایسون، جان. ام. (۱۳۸۱) *برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی*، مترجم عباس منوریان، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ دوم.
- پاتریک، جی پیلو، موریس و اکامپ. (۱۳۷۶) *راهنمای اجرایی برنامه‌ریزی استراتژیک*، ترجمه شریفی کلویی، تهران: نشر آروین.
- پیرس، جان و رایبسون، ریچارد براون. (۱۳۷۷) *برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک*، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- جمشیدی، محمد حسین. (زمستان ۱۳۷۹) «ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی»، *مجله متین*، شماره ۹، صص ۱۲۶ - ۹۱.
- دیوید، فرد، آر. (۱۳۷۹) *مدیریت استراتژیک*، مترجم علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران: انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول.
- زهیری، علیرضا. (زمستان ۱۳۸۲) «دولت اخلاق در آزادی سیاسی امام خمینی»، *مجله متین*، شماره ۲۱، صص ۱۲۸ - ۹۹.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸) *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد دوم.
- شأنی، مرتضی. (۱۳۸۳) *برنامه‌ریزی استراتژیک برای مدیران*، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- علی احمدی، علیرضا، فتح‌ا...، مهدی و تاج‌الدین، ایرج. (پاییز ۱۳۸۲) *نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک*، انتشارات تولید دانش، چاپ اول.
- فیض، داوود. (۱۳۸۰) *بررسی اندیشه‌های استراتژیک و طراحی و تبیین الگوی جامع مدیریت استراتژیک حضرت امام خمینی*، پروژه تحقیقاتی، معاونت تحقیقات مدیریت اسلامی مرکز آموزش مدیریت دولتی استان قم.
- گلوک، ویلیام. اف و لارنس. آر. جاج. (۱۳۷۵) *سیاست بازرگانی و مدیریت استراتژیک*، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: مؤسسه انتشاراتی یادواره کتاب، چاپ چهارم.
- میرخلیلی، سید جواد. (۱۳۸۶) «امام خمینی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- هریسون، جفری و کارون جان. (۱۳۸۲) *مدیریت استراتژیک*، ترجمه بهروز قاسمی، تهران: انتشارات هیأت، چاپ اول.

- Hammersley, M. & Atkinson, P. (1998) *Ethnography: Principles in Practice*, 2nd edition. London: Rutledge.
- Harrison, J. S., and ST. John, C. H.(1994). *Strategic Management of Organizations and Stakeholders*. ST. paul: West.
- King,W.R. and Cleland D. I. (1979) *Strategic Planning and Policy*, New York, Van Nostrand Reinhold.
- Lincoln, Y. S. & Guba, E. G. (1985) *Naturalistic inquiry*, Beverly hills, CA: Sage.
- McGinnis, Vern , (November-December 1981) *The Mission Statement: A Key Step in Strategic Planning* , *Business* 31.
- Morse, J. M. Barrett, M. Mayan, M. Olson, K. & Spring, J. (2002) *Verification strategies for establishing reliability and validity in qualitative research*, *International Journal of qualitative methods* 1(2), Article 2. Retrieved DATE from [http:// www. ualerta. ca/~ ijam/](http://www.ualerta.ca/~ijam/)
- Selznick, P. (1957) *Leadership in Administration*, Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Steeples, D.W. (1990) "Concluding Observations" In D.W. Steeples(ed), "Managing Change in Higher Education". *New Directions for Higher Education*, No. 71. San Francisco. Jossey- Bass Publishers.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.